شب گذشت از نیمه اما با تو صحبت می‌کنم

شب گذشت از نیمه اما با تو صحبت می‌کنم
تا که بگذارم نماز عشق، نیت می‌کنم
ای ولایت شرط توحید تمام عاشقان!
با تولای تو، من تجدید بیعت می‌کنم
در حریم حضرت خورشید، جای ذره نیست
از حضور خود در این درگاه حیرت می‌کنم
تا نگاهم می‌کنند آیینه‌ها از هر طرف
شرم از آیینه قرآن و عترت می‌کنم
من که سنگین‌بارم از بسیاری جرم و گناه،
خواهش بال کبوتر با چه جرئت می‌کنم؟
نعمت قرب جوارت را به من بخشیده‌اند
در بهشت آرزو کفران نعمت می‌کنم
ای شنیده با صبوری درد دل‌های مرا
اشک اگر بگذارد امشب با تو صحبت می‌کنم
من که با فرمان‌بری از نفس عادت کرده‌ام،
کی به خود می‌آیم آخر، کی عبادت می‌کنم؟
خط نزن اسم مرا با صد خطا پشت خطا
من دلِ هر جایی خود را نصیحت می‌کنم
«سوره یوسف» که خواندم، آیه شد «هشتادوهشت»
بارها این آیه را با خود تلاوت می‌کنم
شک ندارم «با کریمان کارها دشوار نیست»
گر نشد کامم روا، خود را ملامت می‌کنم
این خریداران یوسف، دست پُر آورده‌اند
من تهی‌دستم چرا بیهوده قیمت می‌کنم؟
تا نسوزد بی‌گناهی از شرار آهِ من
می‌روم از جمع بیرون، با تو خلوت می‌کنم
تا نصیب من شود توفیق ترک معصیت
چشم خود را چشمه اشک ندامت می‌کنم
تا نگردد در مقام عرض حاجت، ناامید
با دل خود بعد از این اتمام حجت می‌کنم
یک قدم تا آسمان مانده‌ست از شهر بهشت
من ز غفلت آرزوی باغ جنت می‌کنم
می‌روم سمت «مصلّی»، می‌رسم تا «پنجراه»
یعنی از پایین پا قصد زیارت می‌کنم
گر که زنگ ساعتِ صحن تو بیدارم کند
توبه در باقی عمر از خواب غفلت می‌کنم
گر که دستم را بگیری، مثل خُدّام حرم
بعد از این خدمت به قدر استطاعت می‌کنم
بس که تو زود آشنایی ای امام مهربان
من کجا در محضرت احساس غربت می‌کنم؟
«یک سلامم را اگر پاسخ بگویی، می‌روم
لذتش را با تمام شهر، قسمت می‌کنم»
تا بریزم گاه‌گاهی سرمه در چشم غزل
من به گرد راه زوّارت قناعت می‌کنم
تا بماند قصه صیاد و آهو جاودان
بی‌پناهان را به پابوس تو دعوت می‌کنم
در کنار پنجره فولادتان با اشک چشم
می‌نویسم «یا علی» و رفع زحمت می‌کنم.

محمدجواد غفورزاده (شفق)

«ملواری»، بی‌قراری و امیدواری

مسابقه شعر کردی خراسان، با تقدیر از برندگان در مشهد به کار خود پایان داد

گروه ادبیات و اندیشه| خراسان سرزمین قومیت‌های گوناگون ایرانی است. قومیت‌هایی که اگرچه همگی در کنار هم هویت خراسانی پذیرفته‌اند و به زبان ملی ایرانیان -فارسی- با هم تعامل و گفت‌وگو می‌کنند، گاه زبان مادری‌شان فارسی نیست و در جمع خود از زبان مادری بهره می‌برند. از جمله طوایف اصیلی که در جای‌جای خراسان از جمله در کانون این سرزمین یعنی مشهد زندگی می‌کنند، کُردها هستند، مردمانی غیور که از دیرباز در این منطقه از مرزهای شرقی کشور دفاع کرده‌اند و بخشی از هویت خراسان و حتی مشهد را شکل داده‌اند. در میان آن‌ها همچون دیگر اقوام ایرانی گرایش ویژه‌ای به شعر و ادبیات وجود دارد و شاعران بسیاری از گذشته تا کنون در میان کُردهای خراسان سر برآورده‌اند. جعفرقلی زنگلی، شاعرِ عارف‌مسلک که در عصر قاجار می‌زیست، یکی از آن‌هاست که در پی دل بستن به معشوقی نیمه‌زمینی به نام ملواری عاشقی‌اش را با سروده‌های شیرینی نشان داد که از ذهن و قلبش جوشیده بود. اگرچه او در وصال به معشوق ناکام ماند، مهر زبانزدش به ملواری، ۲ سده بعد انگیزه پدید آمدن یک جایزه ادبی شد تا شاعران هم‌زبان و هم‌وطنش، برای به‌دست آوردن تندیس بلورین و جایزه زرین شعر ملواری به رقابت بپردازند.

چهارشنبه شب نوزدهم تیرماه، کانون دانشگاهیان خراسان در مشهد میزبانِ آیین پایانی نخستین دوره مسابقه شعر کُردی خراسان یا همان مسابقه شعر «ملواری» بود که با استقبال هنرمندان، شاعران و شعردوستان کرمانج خراسانی همراه شد. این جایزه ادبی با محوریت کارگاه شعری کانیادل و با حمایت نیکوکارانی فرهنگ‌دوست شکل گرفت.

محمدصادق جوادی حصار، دبیر کل کانون دانشگاهیان خراسان، نخستین سخنران این مراسم بود. او با اشاره به اهمیت این رویداد و رخدادهای فرهنگی همانند آن گفت: آنچه ما را به سعادت رهنمون می‌کند، توجه به خرد جمعی و فردی است. کُردها نشان داده‌اند که به عنوان ایرانیانی اصیل، توجه به خرد جمعی و مهر و مدارا را به مثابه یک سرمایه اجتماعی و معنوی مدنظر دارند و جشن امشب ما، مصداقی از این تفکر است.

حجت‌الاسلام دکتر علی شفیعی گزکوهی، از اعضای شورای مرکزی کانون دانشگاهیان خراسان، دیگر سخنران این برنامه بود که با یادآوری برخی روایات و استناد به دیدگاه‌های مصطفی ملکیان، به زبان کُردی درباره ارزش تخیل و تفاوت آن با توهم و تأثیر تخیل سازنده بر اخلاقی شدن انسان و اجتماع سخن گفت.

همچنین غلامعباس ساعی، شاعر پیشکسوت مشهدی، با تأکید بر اهمیت خلاقیت ذهنی و زبانی گفت: با شنیدن برخی اشعار کُردی، احساس می‌کنم شاعران کُرد خراسان، بعضا ضرورت خلاقیت ذهنی و زبانی را چنان که باید درنیافته‌اند.

او تصریح کرد که شاعر باید بداند شعر، زبان استعاری و نوآوری‌های مضمونی پیوسته‌اش را طلب می‌کند و شاعران نباید به تکرار مکررات دیگران بسنده و دل خوش کنند.

در ادامه، دکتر صادق فرهادی، از اعضای هیئت داوران جشنواره ادبی «ملواری»، تاریخچه شعر کُردهای خراسان را مرور و آن را به ۳ دوره پیش از جعفرقلی، عصر جعفرقلی و پس از جعفرقلی زنگلی، تقسیم کرد. او ضمن برشمردن ویژگی‌های هر دوره، شعر معاصر کُردی خراسان را با‌رغم محدودیت‌ها و مشکلات دستوری و نوشتاری، دارای ظرفیتی بالا و استانداردی پذیرفتنی دانست.

در ادامه، علیرضا سپاهی لایین، شاعر و روزنامه‌نگار و دبیر هیئت داوران جشنواره، در ۲ بخش مجزا، ضمن ارائه گزارشی از روند برگزاری جشنواره و برشمردن معضلات اجرایی و تدارکاتی و ساختاری تحقق چنین فکری، از حامیان مالی و همراهان فکری و ذوقی جشنواره ملواری تشکر کرد و افزود: انجام چنین تجربه‌ای که در نوع خود بی‌نظیر است، بدون همدلی و اعتماد متقابل، امکان‌پذیر نیست.

او ادامه داد: ما به‌رغم مشکلات متعدد، یک جشنواره شعری موفق برگزار کردیم، اما اصل دستاورد ما این است که داریم اعتمادکردن و تشویق یکدیگر را می‌آموزیم.

سپاهی از اینکه هم‌وطنان ایرانی از جمله هم‌زبانان کُرد در برگزاری این جشنواره، حمایتش کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری و اظهار کرد: زبان کُردی، سرمایه ملی ما ایرانیان خراسانی است و نباید اجازه دهیم سوءتفاهم‌ها و کاهلی‌ها به تقلیل یا نابودی این سرمایه بینجامد.

در پایان این آیین، زمان اعلام نتایج رسید که بر پایه آرای داوران، از میان ۱۷ شاعر راه‌یافته به مرحله پایانی مسابقه (۱۴ مرد و ۳ زن) به ترتیب: محبوبه سعادتمند از قوچان با کسب ۲۶۸ امتیاز، سعید رستمی از بجنورد با کسب ۲۵۷ امتیاز و عبدا... گوهری از درگز با ۲۴۳ امتیاز ۳ برنده اصلی این جشنواره شناخته شدند. به برندگان افزون بر مبالغ ۱۰ میلیون، ۵ میلیون و ۳ میلیون ریال جایزه نقدی، تندیس ویژه، لوح تقدیر و تابلوی مخصوص نیز اهدا شد.

رضا اسماعیلی، شاعر:
دقیقه‌ای که در حوزه شعر آیینی و رضوی همچنان مغفول مانده، بی‌توجهی به «سیرت» و «درونه» دین (موضوع) و پرداختن افراطی به «صورت» و ظاهر دین (موضوع) است.

عکس: جواد کرمانی| شهرآرا

گفت‌وگو با پری غلامی

برگزیده مشهدی نخستین جشنواره داستان‌های حماسی

شاگرد فرخی یزدی در چنگ پزشک احمدی

گفت‌وگو

رادمنش| پری غلامی در بین داستان‌نویسان مشهدی شناخته شده است، هرچند به گفته خودش از دنیای شعر به داستان مهاجرت کرده است و حالا ۱۰ سالی می‌شود که در دنیای داستان پرسه می‌زند. او می‌گوید رمان «امانت گندمزار» پاسخ به سؤالی است که در روزگار تمرین شعر همیشه برایش مطرح بوده است، اینکه چه اتفاقی در این دنیا می‌افتد که شاعری قدر می‌بیند و شاعری ذلت؟ مگر روح شعر بین شاعران یکی نیست؟ پری غلامی در این قصه به سراغ زوایایی از زندگی فرخی یزدی، شاعر آزادی‌خواه و لب‌دوخته اواخر عصر قاجار و اوایل حکومت پهلوی اول، می‌رود و تلاش می‌کند همین را از شخص رضاخان و شاعران زمان او بپرسد. شهریار طلوع که قهرمان این رمان است، شاعر گورکنی است همسایه آرامگاه قدیم فردوسی در طابران که درددل‌هایش با فردوسی بیانگر کشمکش‌های درونی او و بهانه خلق ماجراهای داستان است. گفت‌وگوی ما با نویسنده امانت گندمزار، یکی از آثار برگزیده نخستین جشنواره داستان‌های حماسی، را می‌توانید در ادامه بخوانید.

از آنجا که رمان شما هنوز منتشر نشده است، اگر موافقید کمی در مورد طرح آن بگویید.

شهریار طلوع یکی از نزدیک‌ترین شاگردان فرخی یزدی است که پس از متواری شدن استادش به قفقاز، راهی مشهد می‌شود و در جوار مقبره قدیم فردوسی که در نزدیکی طابران و مشرف به یک گورستان قدیمی در دل یک گندمزار است ساکن می‌شود. روزهای چهارشنبه در جلسه شعر ملک‌الشعرا بهار که روی پله‌های باغ نادری تشکیل می‌شده است شرکت می‌کند و خیلی زود مورد توجه بهار و شاعران بزرگ آن دوره مثل ادیب نیشابوری و قاسم رسا قرار می‌گیرد. خواسته اصلی قهرمان داستان این است که بتواند در مراسم هزاره فردوسی که با حضور خاورشناسان و مقامات کشوری و لشگری آن دوره و شخص پهلوی اول برگزار می‌شود به عنوان شاعر حرف بزند و سؤال مهیبش را مطرح کند. هدف دیگرِ قهرمان، نوشتن زندگی فرخی یزدی است که همواره در ذهن او با قهرمانان مختلف شاهنامه مقایسه می‌شود. او هرشب بر مزار فردوسی بخش‌هایی از داستانش را می‌نویسد و در گودالی مخفی می‌کند تا در فرصت مناسب انتشار دهد. مرداس که ضدقهرمان قصه است آرزوی رسیدن به سرپرستی اداره فرهنگ را در سر می‌پروراند و از خبرچینان درجه‌یک دستگاه حکومت پهلوی است، او به شهریار مشکوک می‌شود و به شکل‌های مختلف می‌خواهد که او را از چشم ملک‌الشعرا بهار بیندازد. درگیری عمده داستان بین مرداس و شهریار است و خرده روایت‌ها به شکل‌های گوناگون به داستان‌های شاهنامه به‌ویژه رزم‌نامه ایران و توران نقب می‌زند. سرانجام شهریار به آرزویش می‌رسد. سؤالش را از رضاخان می‌کند و پاسخی که دریافت می‌کند دستگیری، شکنجه و مرگ در زندان قصر به‌دست پزشک احمدی است که او را به سرنوشت استادش فرخی یزدی دچار می‌کند. زاویه دید این رمان سوم‌شخص معطوف به ذهن شخصیت‌های اصلی است که البته گاهی هم به فراخور روایت به اول شخص و دوم شخص تغییر جهت می‌دهد.

چقدر از این داستان مبتنی بر واقعیات است و چقدر زاده تخیل شما؟

هزاره فردوسی یک اتفاق واقعی است در مشهد و همین‌طور ورود خاورشناس‌ها؛ شخص رضاشاه، ملک‌الشعرا بهار، ادیب نیشابوری و قاسم رسا هم واقعی هستند و همین‌طور جلسه شعر چهارشنبه‌ها که روی پله‌های باغ نادری بوده است. فرخی یزدی و سرنوشت تلخش هم واقعی است. «لوکیشن»ها همه واقعی هستند و حاصل تحقیقات من برای ساختن جغرافیایی نسبتا دقیق از مشهد در زمان پهلوی اول. به جز این‌ها، هرچه هست زاده تخیل من است. شهریار طلوع و هیچ‌کدام از اتفاق‌ها و شخصیت‌ها و ماجراها معادل خارجی ندارند.

اشاره کردید به اینکه این رمان حاصل ۱۰ سال تجربه حضور در عرصه ادبیات و اندوخته‌های شماست. چقدر از این رمان، جوششی و تا چه اندازه کوششی و مدیون تکنیک‌ها و درس‌های کارگاهی بوده است؟

قانون اول اینکه نویسندگی تفریح و سرگرمی نیست. نویسندگی حتی شغل هم نیست که ما در دوره‌ای استخدام و در دوره‌ای بازنشسته شویم. داستان‌نویسی یک مدل و شیوه زندگی است. وقتی من تصمیم گرفتم که این شیوه را برای زندگی انتخاب کنم، اولین اتفاقی که برایم افتاد امکان همذات‌پنداری بود، اینکه شخصیت‌های داستانم را زندگی کنم. اتفاق دیگر این بود که باور کنم آدم‌های درون قصه بسیار واقعی‌تر و زنده‌تر از انسان‌های بیرون هستند. بنابراین داستان برایم تبدیل به یک موضوع جدی شد. قانون دوم اینکه داستان‌نویسی یک سلوک روحی و روانی است. مولانا در جایی می‌گوید در درون هر کدام از ما یک پادشاه، یک کنیزک و یک زرگر زندگی می‌کند. به نظر من هر یک از شخصیت‌های داستانی، بعدی از وجود خود ما هستند که در مسیر نوشتن تعین پیدا می‌کنند و خودشان را نشان می‌دهند. داستان‌نویس با نوشتن خودش را خوب می‌شناسد و چه سلوکی بهتر از این؟ من وقتی این رمان را می‌نوشتم فهمیدم که چقدر آدم درون من زندگی می‌کنند که باید از خیلی‌هایشان بترسم، برای بعضی‌هایشان گریه و بعضی‌هایشان را حتما نابود کنم. قانون سوم هم این است که مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر! این استاد می‌تواند یک آدم باشد، می‌تواند یک بسته آموزشی یا کتاب مهارت‌های داستان‌نویسی باشد که یک داستان‌شناس یا مدرس داستان‌نویسی آن را نوشته است. نوشتن داستان و رمان به معنای امروزی مستلزم مهارت است. بخشی از این مهارت ذهنی است، یعنی تو باید استعداد ادبی داشته باشی و همین‌طور یک تخیل قوی اما بخش دیگر مهارت عینی است، یعنی تو باید ساختار داستان‌نویسی را بلد باشی. خیلی از دوستان مرا متهم به داشتن یک ذهن تکنیک‌زده می‌کنند، خب این حرف ممکن است درست باشد و من دراین‌باره افراط کنم اما نمی‌توان اهمیت تکنیک در کنار ذوق و قریحه را انکار کرد.

شما به کارگاه و آموزش داستان‌نویسی باور دارید. یکی از نقدهای کلیشه‌ای -فارغ از درست یا غلط بودنش- که به کارگاه‌های داستان‌نویسی وارد می‌شود این است که هنرجویان رنگ و بوی استاد را به خودشان می‌گیرند. تجربه خودتان دراین‌باره چیست و در کارهایی که خودتان نوشته‌اید تا چه اندازه رد پای استادان یا کارگاه‌ها را می‌بینید؟

من در مشهد، در جلسات زیادی شرکت کرده‌ام، جلسات حوزه هنری، انجمن ماتیکان داستان و... محضر معلمان زیادی را با روش‌ها و سلیقه‌های متنوع در نوشتن و تحلیل داستان تجربه کرده‌ام. شاگرد آقای هادی نوری بوده‌ام، در محضر آقای سید سعید موسوی نشسته‌ام، کلاس‌های آقای محمد ریاحی را تجربه کرده‌ام و آقای علی موسی‌زاده از معلمان خوب من بوده‌اند و هنوز هم به همه این بزرگواران درس پس می‌دهم. در نوشتن این رمان هم مشخصا شاگرد جناب سعید تشکری بوده‌ام و فکر می‌کنم هنوز راه زیادی باقی است تا به شاگرد خیلی خوب ایشان تبدیل شوم. چون این رمان اولین رمان من بود، به جز استاد تشکری از شروع نوشتن تا پایان کار، هیچ پنجره دیگری برای خودم باز نکردم و تلاشم این بود که حرف‌های دیگر را تا جایی بپذیرم که برخلاف آموزه‌های ایشان نباشد. اما به‌طور کلی در مورد تأثیر استادان و کارگاه‌ها بر هنرجو باید بگویم به خود آدم بستگی دارد. به بعضی‌ها جرئت نداری بگویی بالای چشم استادت ابروست. اما من باب انتقاد و سؤال و حتی مخالفت را در برخورد با هیچ معلمی برای خودم نبسته‌ام و تصمیم هم ندارم در ادامه این مسیر مرید کسی باشم. ادبیات داستانی در هیچ استاد و نویسنده‌ای خلاصه نمی‌شود. جهان داستان و اصولا دنیای هنر وسیع‌تر از این حرف‌هاست. باید از دیگران یاد بگیریم و در نهایت امضا و سبک خودمان را پیدا کنیم و این کار زمان می‌برد.

نوشتن این رمان چقدر طول کشید و قرار است کدام ناشر آن را منتشر کند؟

فراخوان جشنواره را در شهریور ۹۷ دادند که ۲۱۰ طرح به دبیرخانه جشنواره ارسال شد. از این ۲۱۰ طرح، ۲۰ طرح از جمله کار من بالا آمد. نوشتن این طرح برای من یک هفته طول کشید که دوسه بار به آقای تشکری نشانش دادم و اشکالاتش را برطرف و رمان را بازنویسی کردم. بعد که اعلام شد طرح من پذیرفته شده است، حدود دوماه‌ونیم فرصت دادند تا آن را به رمان تبدیل کنیم. در نهایت نوشتن این رمان با بازنویسی‌های مختلفی که انجام دادم، دوماه‌ونیم زمان برد. قرار است این کتاب صدوبیست‌وچهارصفحه‌ای را انتشارات سوره مهر منتشر کند که فکر می‌کنم حدود یک ماه دیگر منتشر شود.

اگر نکته‌ای هست که می‌خواهید اضافه کنید، بفرمایید.

به حوزه هنری برای اجرای طرح این جشنواره خوب تبریک می‌گویم و امیدوارم ادامه پیدا کند. من احساس می‌کنم جشنواره داستان‌های حماسی علاوه بر برکات تعریف شده و مشخصی که دارد، یک‌جور فتح باب است برای ورود محتوای ادبیات کهن ایران به پیکره داستان‌نویسی مدرن امروز. امیدوارم این حرکت به سایر متون ما هم سرایت کند. تاریخ بیهقی، گلستان سعدی، مثنوی معنوی، آثار حکیم نظامی و... هم می‌توانند موضوع اقتباس باشند و داستان‌نویسی امروز را از درون‌مایه‌های آپارتمانی، رقیق و شبه‌ترجمه نجات دهند. ما نیاز داریم به هویت ایرانی خودمان برگردیم.

رویداد

چرنوبیل، تحیر در برابر فاجعه

گزارشی از نشست تحلیل یک کتاب و یک مجموعه تلویزیونی

عکس: مهدیه غفوریان| شهرآرا

ایرانی| اهدای جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۵ به سوتلانا آلکساندرونا آلکسیویچ در حالی شهرتی مضاعف برای این نویسنده بلاروسی به دنبال داشت که نوشته‌های او در قالب‌های مرسوم ادبیات خلاقه -رمان و داستان- جای نمی‌گرفتند. او با ارائه دستاورد صدها مصاحبه با آسیب‌دیدگان فجایع متأثر از حکومت شوراها در قالب کتاب‌هایش، روایت‌هایی مستند از مصیبت انفجار هسته‌ای چرنوبیل و جنگ افغانستان و... را به دوستداران ادبیات و تاریخ معاصر جهان عرضه کرده بود اما همین مستندنگاری -و شاید ملاحظات سیاسی- اعضای آکادمی نوبل را متقاعد کرده بود در حضور شماری رمان‌نویس و داستان‌نویس و شاعر مطرح، جایزه مهمشان را به این بانوی مستندنگار بدهند. کتاب‌های خواندنی او پای فیلم‌سازان را نیز به میان کشید تا جایی که فیلم کوتاهی با اقتباس از نوشته‌هایش نامزد اسکار شد و به تازگی نیز مینی‌سریالی که گفته می‌شود بر پایه کتاب «نیایش چرنوبیل؛ رویدادنامه آینده» ساخته شده است، توجه‌ها را به خود جلب کرده است.

بعدازظهر جمعه ۲۱ تیرماه، مجموعه نشر چشمه دلشدگان میزبان نشست تحلیل کتاب «نیایش چرنوبیل؛ رویدادنامه آینده» نوشته سوتلانا آلکساندرونا آلکسیویچ و مینی‌سریال «چرنوبیل» به کارگردانی یوهان رنک بود. در این نشست که با همکاری گروه ادبی فرهنگی «اتاقی از آن خود» برگزار شد، مترجم کتاب، الهام کامرانی و بهار احمدی، منتقد سینمایی، سخن راندند.

کامرانی که چندی پیش در صفحه مجازی خود از زبان آلکسیویچ منبع الهام مینی‌سریال محبوب «چرنوبیل» را کتاب «نیایش چرنوبیل...» دانسته بود، اطلاعاتی درباره این نویسنده و نیز انگیزه خود از ترجمه کتاب یادشده ارائه کرد. آثار سوتلانا آلکساندرونا آلکسیویچ تاکنون به ۸۰ زبان زنده دنیا برگردانده شده و منبع اقتباس فیلم‌ها و تئاترهایی قرار گرفته است. او پیش از دریافت نوبل، جوایز مطرح دیگری هم مانند جایزه ریمارک، نشان ادب و هنر فرانسه و جایزه ملی منتقدان آمریکا به دست آورده بود. مواضع انتقادی او علیه دولت لوکاشنکو مشکلاتی را برایش به وجود آورد. او در «نیایش چرنوبیل...» مجموعه‌ای از روایت‌های شفاهی مردمی را که در متن ماجرای حادثه هسته‌ای چرنوبیل بودند پیش‌روی مخاطب می‌گذارد. کتاب بازگوکننده مصداقی از ترس‌های بشر امروز است.

مترجم مشهدی این اثر که برای تحصیلات دوره ارشد و دکتری خود در رشته زبان‌شناسی سال‌ها در مینسک پایتخت بلاروس زندگی کرده است، راغب‌شدن خود به برگرداندن آن را مربوط به همان سال ۲۰۱۵ می‌داند که نویسنده اثر نوبل ادبیات گرفت و از قضا این رویداد ادبی با انتخابات ریاست جمهوری بلاروس نیز هم‌زمان بوده است. کامرانی از نوشتن گزارشی به نام «ذهن زیبای روس» مبتنی‌بر حال‌وهوای آن روزها یاد کرد که برای هفته‌نامه صدا در ایران نوشت و همین گزارش باعث می‌شود نشر چشمه از او بخواهد یکی از آثار آلکسیویچ را ترجمه کند.

اما برخی مترجمان فارسی عنوان‌هایی چون «صداهایی از چرنوبیل» و «زمزمه‌های چرنوبیل» را برای برگردان خود از این اثر برگزیده‌اند. این مترجم که کتاب را مستقیم از زبان روسی ترجمه کرده، «نیایش چرنوبیل» را ترجیح داده است، چون اولا در عنوان اصلی کتاب واژه‌ای روسی معادل نیایش و دعا وجود دارد و دیگر اینکه این کتاب قصه آدم‌هایی است که در مواجهه با حادثه چرنوبیل، متحیرانه راهی به جز نیایش ندارند.

بهار احمدی، منتقد فیلم، نیز مینی‌سریال «چرنوبیل» را درامی تاریخی وصف کرد که برخلاف رویکرد استنادی فیلم‌هایی چون «فهرست شیندلر» و «سیندرلامن» و جز این‌ها تخیل و فانتزی را هم به داستان خود اضافه کرده است.

به اعتقاد او، این مجموعه تلویزیونی از عنصر انسانی به هوشمندی بهره برده است و دوطرف یک فاجعه یعنی متهم و قربانی را به خوبی نشانه رفته و به هر دوی آن‌ها پرداخته است. احمدی به اتکای همین دیدگاه معتقد بود که چرنوبیل را می‌توان درام سیاسی نیز نامید.

به گفته او، پیچیدگی ماجرای چرنوبیل جدا از فاجعه رخ‌داده که گریبانگیر کشورهای مختلفی شد، مربوط به سیاست‌های شوروی سابق به‌عنوان ابرقدرتی زورگو در تثبیت جایگاهش بعد از جنگ سرد است و کل سریال روی همین موضوع مانور می‌دهد.

هنر ایرانی مدیون امام رضا(ع) است

اظهارات وزیر ارشاد در آیین اختتامیه هفدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) در مشهد

عکس: مصطفی عباسی| شهرآرا

گزارش

گروه فرهنگ‌وهنر| با پایان دهه کرامت و اوج گرفتن جشن‌های میلاد امام هشتم(ع) هفدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) هم در میان حضور پرشور زائران و مجاوران مشهدی در این کلان‌شهر مذهبی به کار خود پایان داد.

در این دوره برای افزایش کیفیت جشنواره‌ها از تعداد آن‌ها کاسته و سعی شده بر کیفیتشان افزوده شود. به این ترتیب بنا به آنچه که پیش‌تر محمودرضا برازش، دبیر این جشنواره، گفته بود، تنها ۱۵ عنوان از ۳۲ عنوان جشنواره‌ای که هر سال برپا و سال به سال بر تعدادشان افزوده می‌شد، در دوره هفدهم برگزار شد و جشنواره‌هایی که مشابهت محتوایی داشتند، با یکدیگر ادغام شدند. به گفته برازش، این کاهش کمی به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرایی جشنواره که بر دوش دولت بوده، انجام گرفته است.

در آیین اختتامیه هفدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) که شب گذشته در برج سپید دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد برگزار شد، برترین‌های جشنواره‌های فرهنگی-هنری این دوره معرفی و از خادمان رضوی و دستگاه‌های برتری که با بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) همکاری داشتند، تقدیر شد.

محمدمجتبی حسینی معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن جوادی معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدرضا حیدری رئیس شورای اسلامی شهر مشهد، محمدرضا کلائی شهردار مشهد، محمدجعفر مروارید مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان‌رضوی، حجت‌الاسلام نصرا... پژمان‌فر نماینده مردم مشهد و کلات و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از دیگر میهمانان این مراسم بودند.

هنر ایران مدیون امام رضا(ع) است

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که به بهانه اختتامیه جشنواره امام رضا(ع) به شهر خودش آمده، امام هشتم شیعیان را میهمانی خواند که بعد از گذشت ۱۲ قرن اکنون میزبان ایرانیان شده است: «در این ۱۲ قرن آن‌قدر از ایشان فضل و فضیلت و کرامت به ما رسیده است که می‌توان گفت ما بر سر خوان امام رضا(ع) نشسته‌ایم.»

به نظر صالحی، افزایش محبت ایرانیان به اهل‌بیت(ع) از برکات حضور امام رضا(ع) در ایران‌زمین است و هجرت ایشان باعث شده ایران کانون محبت و معرفت به خاندان پیامبر(ص) شود: «۳ سال حضور امام(ع) در ایران سال‌های عزت و آزادی بدون دردسرهای حاکمیت بود و امام در این مدت با گفت‌وگوها، خطابه‌ها و نامه‌ها توانست اندیشه اهل‌بیت(ع) را در این منطقه تعمیق ببخشد. همچنین مهاجرت علویان به ایران به‌واسطه حضور ایشان در خراسان به ریشه‌دار شدن این محبت و معرفت یاری رسانند.»

به گفته صالحی، تکمیل هویت جامعه ایرانی با عشق به اهل‌بیت(ع) صورت گرفت و این هویت‌بخشی را حتی نمی‌توان با دوره حاکمیت شیعه صفوی و امثال آن مقایسه کرد.

وزیر ارشاد هنر ایرانیان را مدیون امام رضا(ع) دانست و ایشان را حافظ و خالق هنر ایران خواند. او حرم مطهر رضوی را باعث حفظ و گسترش هنر ایرانی دانست و گفت: اگر امام هشتم(ع) در ایران نبود، هنر ایرانی به این رشد نرسیده بود. صالحی با بیان اینکه حفظ بخش درخور توجهی از هنر ایرانی در آستان مقدس امام رضا(ع) رخ داده است، گفت: این یک ادعای دور از واقعیت نیست؛ چرا که نزدیک به ۱۷ هزار نسخه خطی در کتابخانه امام رضا(ع) از قرن چهارم به این طرف مانده که حافظ خلاقیت ایرانیان شده است: «هنر سیال ایران که حاصل یک دوره هشت‌قرنی از هنر پیوسته ایرانی است، گرد حرم مطهر رضوی جمع شده است. این گردهمایی طولانی در هنر دنیا کم‌نظیر است.»

«نخ تسبیح هم‌گرایی ایرانی»، موضوع دیگری بود که وزیر ارشاد با آن برکات وجود امام رضا(ع) در ایران را توصیف و ایران را به ۴ فصل فرهنگی تقسیم کرد و توضیح داد که این ۴ فصل به وجود عالم آل‌محمد(ع) عشق می‌ورزند و ایشان را کانون وجود خود می‌دانند: «از منظر وحدت، انسجام اجتماعی و هم‌گرایی ملی قرن‌هاست که به امام هشتم شیعیان جهان مدیون هستیم و هرچه ما انجام می‌دهیم، ادای دینی است که به ایشان داریم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان، توجه به جنبه علمی امام(ع) را برای ارتقای کیفی جشنواره امام رضا(ع) ضروری دانست.

باعث نگرانی رهبری نباشیم

جمشید جعفرپور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در این مراسم با اشاره به اینکه امام رضا(ع) یک امام فرهنگی است، گفت: ایشان امامی است که با منش و روش خود در زمانی که حضور داشت، از میان همه برجستگی‌هایش بُعد فرهنگی ایشان بیش از سایر ابعادش تلألو پیدا می‌کرد.

به گفته جعفرپور، در زمانه‌ای قرار داریم و شرایطی بر جهان و کشور ما حاکم است که ۷۲ ملت کفر علیه ملت اسلام و ملت ایران متحد شده‌اند و با زیرپا گذاشتن تمام پیمان‌های بین‌المللی، قواعد بازی خودشان را هم زیر پا گذاشته‌اند: «اگر ما به فرمان ولی‌مان مکلف به استقامت شدیم و جز مقاومت و استقامت گریزی نداریم، باید به گونه‌ای باشیم و به گونه‌ای رفتار کنیم که باعث نگرانی رهبری نباشیم.»

به نظر این نماینده مجلس، همه ما به پشتیبانی رهبرانقلاب در همه ابعاد به‌خصوص فرهنگ حرکت می‌کنیم و بدون تردید می‌توانیم پیروز میدان‌های فرهنگی باشیم؛ به شرط آنکه به گونه‌ای عمل کنیم که اسوه ما، امام رضا(ع)، عمل کرد: «ما راهی نداریم جز اینکه میان واقعیت‌های زندگی و آرمان‌هایمان پل بزنیم. این همان چیزی است که در جبهه فرهنگی و از امام هشتم(ع) می‌آموزیم.

حفظ وحدت، تنها راه سعادت

«توسعه فرهنگی ایران از برکات وجود امام هشتم در کشورمان است». علیرضا رزم‌حسینی، استاندار خراسان‌رضوی، سخنرانی خود را در این مراسم با این جمله آغاز کرد و گفت: این برکات به دلیل وجود امامی است که به گفت‌وگو، اقناع مخالف و رأفت مشهور است و ما هم باید از خصایص اخلاقی ایشان در مناسبات فردی، اجتماعی و حکومتی بهره ببریم.

رئیس شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی دهه کرامت توجه به جشن‌های مردمی و کاهش تصدی‌گری سازمان‌ها و نهادهای دولتی در این دهه را از سیاست‌های اصلی برگزاری دهه کرامت در سال ۹۸ دانست و گفت: نقش دولت در برگزاری مراسم این دهه به حمایت معطوف شد و ما بیشترین نقش‌آفرینی را به جشن‌های مردمی اختصاص دادیم.

به گفته رزم‌حسینی، رمز موفقیت ما در روزگاری که دشمن بر کشور فشار آورده است و به دنبال تضعیف پایگاه‌های مردمی نظام است، همدلی، همراهی، همکاری و پیروی است. به نظر استاندار خراسان‌رضوی، دستیابی به دوران طلایی فرهنگ و هنر از پس توجه به سیره رضوی محقق خواهد شد. او همچنین در ادامه به بیانیه گام دوم انقلاب اشاره کرد و گفت که بنا بر تأکیدات مقام معظم رهبری لازمه دهه پنجم انقلاب، وحدت کلمه و پرهیز از افراط و تفریط است.

رزم‌حسینی حفظ وحدت و توجه به همه سلیقه‌ها در کشور را تنها راه سعادت دانست و گفت: برای سربلندی و عزت ایران اسلامی خون هزاران نفر از صالحان بر زمین ریخته شده است.

شفافیت مالی، راهبرد بنیاد

محمودرضا برازش، مدیرعامل بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع)، در مراسم، این جشنواره را به نهالی تشبیه کرد که فرهنگ و هنر و رسانه در سایه آن به رشد و تبلور دست یافته است. برازش در تشریح فعالیت‌های این دوره از جشنواره گفت: ادوار گذشته این جشنواره با هدف ارتقای کیفیت و اثربخشی آن از سوی کارشناسان بررسی شد. ادغام و دوسالانه کردن بعضی از جشنواره‌ها نتیجه این بررسی بود که منجر به افزایش کیفی برنامه‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی و هنری شد.

به گفته برازش، توجه به فعالیت‌های کاربردی و حمایت از تولیدات خلاق فرهنگی-هنری از دیگر دلایل کاهش کمی جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) بود. بر اساس سخنان دبیر هفدهمین دوره جشنواره امام رضا(ع)، تمرکز و توجه بر رسانه و فضای مجازی به عنوان بستری برای عرضه گسترده تولیدات فرهنگ رضوی، از اهداف این جشنواره بوده و پویش حامیان رسانه‌ای را به همین منظور راه‌اندازی شده است.

انضباط و شفافیت مالی، موضوع بعدی بود که برازش درباره آن صحبت کرد و گفت: شفافیت راهبردی است که در همه فعالیت‌های بنیاد جریان دارد و مفتخریم که بگوییم به گواه بازرسان مالی، این بنیاد از مؤسسه‌های ممتاز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

باکیفیت‌ترین جشنواره از نگاه داریوش ارجمند

داریوش ارجمند، هنرمند مشهدی سینمای ایران، در این جشنواره با بیان اینکه من خیلی کوچکم که در این محفل سخن بگویم، گفت: مملکت ما لبریز از جشنواره‌هاست، دنیای ما دنیای بدی است، دنیای کمیت‌هاست، هرکسی پول بیشتری دارد و حساب بانکی‌اش پرتر است محترم‌تر است، اما از کیفیت خبری نیست: «کیفیت، دین من است، امام رضای من، امام کیفی است. ما از چنین فرهنگی بیرون آمده‌ایم و اکنون در چنین چاله‌ای افتاده‌ایم. در هنر ما و در سینمای ما هرکسی که بیشتر بفروشد، محترم‌تر است، اما من فرهنگی دارم که ۷۲ نفر جواب ۳۰ هزار نفر را می‌دهند؛ این فرهنگ کیفی ماست.»

به گفته ارجمند، فرهنگ ما کمیت‌ها را با کیفیت شکست می‌دهد. ما استاد تبدیل کمیت به کیفیت هستیم و تاریخ این را نشان داده است: «جشنواره امام رضا(ع) کیفیتی‌ترین جشنواره‌ای است که من تابه‌حال دیده‌ام. هیچ کمیتی در آن معتبر نیست و آدم‌ها به کمیت‌هایشان تجلیل نمی‌شوند و من خوش‌حالم که در این جشنواره زیر سایه حضرت رضا(ع) که هرچه از او خواسته‌ام به من داده است، این جایزه را دریافت کردم.»

درحاشیه

از نماهنگ «پابوس» با صدای علیرضا افتخاری و آهنگ‌سازی امیرحسین اسکندری رونمایی شد.

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و محمدرضا کلائی، شهردار مشهد از ۲ تابلو نقاشی با موضوع امام رضا(ع)، «شیران پرده» و «مناظره امام رضا(ع)»، اثر حسن روح‌الامین رونمایی کردند.

مجید اخشابی قطعه‌ای را که برای این جشنواره آماده کرده بود، اجرا کرد.

علی کریمی قدوسی، قائم‌مقام تولیت آستان قدس رضوی در سال‌های گذشته، شیخ ابراهیم عیسی بنسی از غنا، سیدجعفر ماهرخسار، مداح، فائزه عظیم‌زاده‌اردبیلی، دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، داریوش ارجمند، بازیگر ۳ نقش تاریخی و مذهبی ماندگار، محمدعلی مجاهدی، شاعر آیینی و قاسم توکلی‌راد، خوش‌نویس، مفتخر به دریافت نشان «خادم نمونه فرهنگ رضوی» شدند.

نماشهر

مصطفی عباسی| شهرآرا

شام آخر «ایوان شمس»

آخرین شب جشن «ایوان شمس» در دهه کرامت در مشهد برگزار شد

عکس: داوود بهگام| شهرآرا

زوزنی| پس از ۸ شب جشن‌های «ایوان شمس» که به‌مناسبت دهه کرامت در بوستان کوهسنگی برگزار می‌شد، به پایان رسید؛ جشن‌هایی که در این روزها جمعیتی چندصدنفری از زائران و مجاوران مشهدی را به خود می‌دید. «ایوان شمس» هر شب در میدان ضلع شرقی بوستان کوهسنگی، آغاز و ساعت ۱۰ شب از شبکه نسیم سیما بخش‌هایی از آن پخش می‌شد. با اینکه سوروسات این جشن جمع شد اما برنامه «شب‌های فیروزه‌ای» با مشارکت شهرداری مشهدمقدس از دیشب شروع شده و تا ۲۷ تیرماه ادامه خواهد داشت و به صورت زنده از شبکه پنج سیما نیز روانه آنتن تلویزیون می‌شود.

در طول این چند شب که «ایوان شمس» با اجرای محمد سلوکی و همراهی علی عامل‌هاشمی پیش می‌رفت، هنرمندان مختلفی در آن حضور پیدا کردند که اغلب آن‌ها رگ‌وریشه‌ای در مشهد داشتند؛ البته حضور هنرمندان محبوب دیگر هم درمیان مردم مشهد چشمگیر بود. علیرضا خمسه، مهران احمدی، هدایت هاشمی، علی مسعودی، لاله اسکندری، امیریل ارجمند، مهدی سلوکی و نیما شعبان‌نژاد از جمله هنرپیشه‌هایی بودند که در کنار خوانندگانی همچون محمد اصفهانی، محمد معتمدی، فریدون آسرایی، مهدی یغمایی، سینا سرلک و... در این جشن حضور یافتند.

حضور افرادی همچون محمدرضا حیاتی، گوینده خبر، هم از اتفاقات جالب این جشن بود که درمیان مردم حاضر شد و با آن‌ها به گفت‌وگو نشست. برخی از میهمانان این برنامه هم که می‌توانستند، لهجه مشهدی را دستمایه شوخی‌های خود قرار می‌دادند و برای ارتباط بهتر با مردم مشهد با لهجه مشهدی با آن‌ها حرف می‌زدند.

۲ نمایشگاه «عفاف و حجاب» و «انتقال تجربه تولیدات صنایع دستی»، ۲ اتفاق دیگری بود که در «ایوان شمس» در مدت این چند شب رخ داد و با استقبال خوب مراجعه‌کنندگان روبه‌رو شد.

حضور جمعی از مسئولان شهری به‌همراه اعضای خانواده‌شان در کنار مردم مشهد در طول شب‌های برگزاری جشن، از دیگر نکات جالب توجه «ایوان شمس» بود.

میترا حجار با «تپلی و من» به‌سینماها می‌آید

گروه هنر| میترا حجار، بازیگر مشهدی که این روزها فیلم کمدی «سامورایی در برلین» با بازی او در سینماهای کشور درحال اکران است، از چهارشنبه ۲۶ تیر با فیلمی در ژانر کودک و نوجوان، میهمان پرده نقره‌ای خواهد بود؛ فیلمی با عنوان «تپلی و من» که تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی آن برعهده حسین قناعت است. این فیلم با درون‌مایه‌ای شاد اما روان‌شناسانه به اختلالات شخصیتی افراد با نگاهی به آسیب‌های دوره نوجوانی می‌پردازد و در آن سعی شده است علاوه‌بر ایجاد جذابیت برای کودکان و نوجوانان، حرف‌هایی با پدر و مادرها و بزرگسالان نیز بزنند. در فیلم «تپلی و من» علاوه‌بر میترا حجار بازیگرانی چون حسن معجونی، یوسف تیموری، سیروس گرجستانی، نادر سلیمانی، رامین ناصرنصیر، سامیار محمدی، مرتضی زارع و عباس محبوب به ایفای نقش می‌پردازند. «تپلی و من» سال گذشته با حضور در سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی کودک و نوجوان اصفهان، توانست پروانه زرین بهترین بازیگر کودک را از آن خود کند.